

گفتگو با استاد حنا فاخوری

حنا فاخوری در سال ۱۹۱۶م. در شهر زحله لبنان زاده شد. وی که دارای درجه دکتری در فلسفه اسلامی است، تحصیلات متوسطه را در بیت المقدس به پایان رسانید. فاخوری از مسیحیان کاتولیک و عضو جمعیت مبلغان «بولس مقدس» در لبنان است. وی که مؤسس انستیتو زبان، هنر و علوم در لبنان است، کتابهای درسی بسیاری در زمینه الهیات مسیحی نیز تألیف کرده است.

فاخوری از سال ۱۹۶۲م. از هرگونه فعالیت اجرائی دست کشید و به تحقیق در حوزه زبان و ادبیات و فلسفه پرداخت و تاکنون دهها کتاب و مقاله از وی در لبنان و مصر به چاپ رسیده است که عمده‌ترین آنها به قرار زیر است:

(۱) اخوان الصفا ۱۹۴۷م.

(۲) تاریخ الادب العربی ۱۹۵۱م.

(۳) مجموعه ۴ جلدی اللغة العربیة ۱۹۵۱م.

(۴) مجموعه کتب نوابغ الفكر العربی طی چندین سال.

(۵) الجدید فی الادب العربی (جلد ۶) ۱۹۵۵م.

(۶) الحکم و الامثال ۱۹۵۶م.

(۷) تاریخ الفلسفة الاسلامیة (جلد ۲) ۱۹۵۸م.

(۸) المعجم الوافی ۱۹۸۳م.

(۹) تاریخ الادب العربی فی المغرب ۱۹۸۲م.

از میان این آثار کتاب تاریخ ادبیات عرب او توسط عبدالمحمد آیتی (تهران، ۱۳۷۴) و تاریخ فلسفه اسلامی به فارسی ترجمه شده است. در مورد ترجمه کتاب نخست با آنکه اصل آن در ۱۱۱۶ صفحه به چاپ رسیده، ترجمه آن با حذف تصاویر، در ۷۸۴ صفحه منتشر شده است. مترجم ضمن رعایت امانت در ترجمه، اشعار عربی را بدون

اعراب در متن آورده و سپس آنها را به فارسی ترجمه کرده است. حنا فاخوری علاوه بر تألیف، به تحقیق نسخه‌های خطی یا شرح آثار کهن نیز پرداخته است (حتی شرح ابن عقیل و مغنی اللیب) و همچنین دهها اثر از زبانهای لاتینی، یونانی و فرانسه به زبان عربی ترجمه کرده است، که عمدتاً بر متون دینی، تاریخ اندیشه مسیحی، قوانین و آداب کلیسای مسیحیت شامل می‌شود.

ایشان در سال ۱۳۸۱ به ایران سفر کردند و ما توفیق آن را یافتیم که گفتگوی زیر را با ایشان به عمل آوریم:

۱- لطفاً مختصری از زندگی علمی خود بگویید:

- من در شهر زحله بقاعیه در لبنان در سال ۱۹۱۶م دنیا آمدم. سپس به قوس رفتم و در مدرسه قدیس حنا تحصیل کردم. پس از آن به حریصه، دهکده پیروان پل مقدس، رفتم و در آنجا بود که به چاپ و تألیف کتاب پرداختم. در جوانی یک رمان بصورت شعر عربی نوشتم. و کتابی در زمینه قواعد زبان عربی براساس نمونه‌های ساختاری برای آموزش تمامی قواعد عربی، تألیف کردم. پس از آن مشغول تألیف کتاب و تدریس در دانشگاه شدم و همزمان مدیر مجله المسره بودم.

۲- تاکنون در چه دانشگاههایی تدریس کردید؟

- من در دانشکده لبنان در بیروت و پژوهشکده زبان تدریس کرده‌ام.

۳- آثار خود را در چه زمینه‌ای تألیف کرده‌اید و در حال حاضر به چه کار علمی مشغول هستید؟

- کتابهای من برخی تألیف و برخی شرح و تفسیر است. موضوع این کتابها لغت‌شناسی، ادبیات و فلسفه است. از چندین سال پیش نیز به ترجمه چندین کتاب در زمینه عقاید مسیحی که به زبان یونانی است مشغولم. کتاب آباء کلیسا از قرون نخستین تا سده هفتم میلادی را به عربی برمی‌گردانم تا ادبیات مسیحی را در کنار ادبیات عرب داشته باشیم و بدین سان دو تمدن را در هم آمیخته و به ادبیاتی مشترک دست یابیم.

۴- لطفاً نظر خود را در مورد ادبیات فارسی بیان کنید:

- با توجه به زمینه کار من در تألیفات ادبی، مطالعاتم در ادبیات کهن فارسی بیش از ادبیات نوین فارسی است. من به کار مقایسه‌ای میان ادبیات عربی و ادبیات زبانهای

بیگانه نظیر هندی، فارسی، یونانی و لاتینی پرداخته‌ام و بدلیل آنکه ادبیات فارسی به شدت با ادبیات عرب درهم آمیخته است. همچنین تمدن فارسی را باید زیربنای حکومت دانست. در آن زمان، شاعران و ادیبان فارسی زبان بسیاری را می‌بینیم که آثار خود را به زبان عربی نوشته‌اند، چون: بشاربن برد، ابونواس و ابن مقفع. به همین دلیل بود که من در ادبیات کهن فارسی غور می‌کردم، اما در مورد ادبیات نوین فارسی جز اندکی نمی‌دانستم.

۵- انگیزه خود را از تألیف در موضوع تاریخ ادبیات عرب بیان فرمایید:

- هنگامی که کار تدریس را آغاز کردم، دریافتم که کتابهای آموزشی ادبیات عرب، بسیار سطحی است و تنها به واژه‌ها و جمله‌های پرزرق و برق و آهنگین پرداخته، بی‌آنکه به تحقیق و تحلیل ادبی توجهی داشته باشد. از این رو به پژوهش در تاریخ ادبیات یونانی و ادبیات فرانسوی پرداختم و کتاب خود را به شیوه کتابهای آن دو زبان نگاشتم و بدین سان، تاریخ ادبیات من، حال و هوای انسان گرائی به خود گرفت و توانست برفراز تمامی کتابهای ادبیات عرب جاگزیند.

۶- در پایان چند کلمه در مورد سفر خود به ایران بگویید:

- کشور شما و ملت شما را بسیار دوست می‌دارم و علاقمندم که بار دیگر به تهران، شیراز و اصفهان بازگردم. زیرا در این مردم، پیشرفت بسیار، دانش، دوستی، تمدن و انسانیت عمیقی مشاهده می‌کنم.